

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۱۰۰۲۸۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۴۴۹۰

پیشگیری از ارتکاب خودکشی و جرم منازعه

به عنوان بارزترین انحرافات جوانان در جامعه

دکتر آریا عزیزی

چکیده

یکی از موضوعاتی که از گذشته‌های دور افکار بسیاری از اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی نظیر فلاسفه، حقوقدانان، روانشناسان و خصوصاً جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرده، مسئله انحرافات اجتماعی است. جامعه‌شناسان بر این باورند که در بین مجموع این عوامل، خانواده یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بیشترین نقش را در جلوگیری از بروز انحرافات و جرائم اجتماعی ایفا نماید، همان طوری که می‌تواند عامل مؤثری در انجام رفتارهای انحرافی باشد. بنابراین اگر محیط خانواده در دوران کودکی فرد، یک محیط سالم، مناسب و بسامانی باشد، احتمال مصونیت این فرد از انجام رفتارهای انحرافی و نابهنجار بسیار فراوان است. خودکشی عملی است که به سلب حیات عاقلانه از سوی خود فرد مرتکب می‌انجامد. جرم‌شناسی دانشی است که به مطالعه علل رویداد پدیده مجرمانه می‌انجامد. از این دیدگاه، با کاربرست انواع پیشگیری‌های جرم‌شناختی می‌توان از موارد ارتکاب خودکشی تا اندازه بسیاری کاست. پیشگیری‌های موقعیت مدار، اجتماعی از بزه کاری در مورد خودکشی نیز قابل اعمال هستند. محکومیت تاریخی، جای گرفتن در شمار جرایم بازدارنده و نیز دگردیسی شکلی در شیوه‌های ارتکاب، در شمار مهمترین ویژگی‌های این رفتار جامعه ستیزانه است. افزون بر این، برنامه فراگیرپیشگیری از خودکشی و اقدام به آن مستلزم استفاده از توانمندی‌های نهادهایی همانند خانواده و نیز رسانه‌های گروهی در مبارزه با آن است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و می‌کوشد تا جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه را بررسی کند.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی، خودکشی، مسئله انحرافات اجتماعی، خانواده، پیشگیری



مقدمه

جوامع بشری از دیرباز همواره مورد تهاجم و تهدید انواع جرایم از سوی قانون شکنان بوده اند، و هر جامعه به فراخور ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود از طریق ابزارهای موجود در سیاست کیفری خود، با این جرایم مبارزه کرده است. در بین انواع جرایم ارتكابی در جوامع، جرایم علیه اشخاص از جمله جرایمی می باشند که با قطع نظر از اختلافات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، هر جامعه ای برای حفظ موجودیت خود، حتی از زمانی که تشکیلات منسجمی به عنوان دولت یا حاکمیت وجود نداشته، با مجرمین آنها مبارزه کرده است. در واقع این دسته از جرایم، جزء جرایم طبیعی محسوب می شوند.

در بین جرایم علیه اشخاص، که شدیدترین آنها، قتل عمدی محسوب است، جرم منازعه از برجستگی خاصی برخوردار است. این جرم از اوان تشکیل اجتماعات بشری، مبتلا به جوامع، بوده است. ویژگی خاص این جرم، بروز و ظهور آن به حد وفور در جوامع توسعه نیافته و فاقد فرهنگ پیشرفته اجتماعی است. در جوامعی که زور و قلدری جانشین منطق و استدلال برای حل اختلافات بشری به عنوان یک امر طبیعی جلوه می کند، ملاحظه نزاع دسته جمعی، شیوع قابل توجهی را در جامعه نشان می دهد. در این جوامع، استدلال، منطق، خرد گرایی برای حل منازعات و اختلافات، جایگاهی ندارد. ابزار حل اختلاف، درگیری فیزیکی بین دو گروه طرف اختلاف و حصول نتایج زیان بار آن، از جمله قتل و جرح است. ویژگی دیگر اینکه در طریق ارتكاب جرم منازعه، به لحاظ تعداد قابل توجه شرکت کنندگان در منازعه و امکان فرار از مسئولیت، شناسایی مرتکبین قتل یا جرح یا صدمات دیگر، برای مقامات انتظامی و قضایی امری به غایت مشکل و گاهی در حد غیر ممکن است. از این رو، در قوانین موضوعه جزایی کشورها، قانون گذاران ضمن پیش بینی این جرم با قطع نظر از شناسایی عامل صدمه در اثنای منازعه، برای کلیه شرکت کنندگان در منازعه، مجازات های بازدارنده مقرر کرده اند. (احمدی ۱۳۷۷: ۸۱)

بخش اول: فلسفه جرم شناسی

جوامع انسانی همواره با مخالفت با قانون و هنجارشکنی اجتماعی روبه رو بوده اند. استمرار وقوع جرائم، به رغم اتخاذ تدابیر تنبیهی در برابر بزهکاران، از دیرباز اندیشمندان، فیلسوفان و مصلحان اجتماعی را بر آن داشته تا درباره ماهیت و علت ارتكاب جرم و چگونگی مقابله با آن راه حل هایی ارائه دهند.



ولی مطالعه علمی جرم، به عنوان پدیده فردی - اجتماعی، ره‌آورد تمدن جدید است. در ادوار پیشین، به مجازات مجرم بیش از علل جرم اهمیت داده می‌شد. علت ارتکاب بزه را اموری چون تقدیر، ح لول ارواح خبیث، جهل و فقر و ثروت می‌دانستند و رفتار با بزه‌کاران غالباً با شدت و خشونت همراه بود. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۳۹)

بخش دوم: اصول کلی جرم‌شناسی

اصول کلی این مکتب - که در حقوق کیفری تأثیر بسیاری گذاشت - عبارت بود از :

نفی آزادی اراده انسان در فرایند ارتکاب جرم؛ یعنی ارتکاب یافتن جرم با تأثیرپذیری مجرم از علل و عوامل جرم‌زای درونی شامل نقص بدنی، روانی و زیستی و عوامل جرم‌زای بیرونی چون محیط‌های اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی، بدون اختیار داشتن او.

۲- انکار مسئولیت اخلاقی مجرم و پذیرش مسئولیت اجتماعی او.

۳- ناعادلانه و غیرمفید بودن مجازات‌ها و پیشنهاد جایگزینی «اقدامات یا تدابیر تأمینی» برای اصلاح مجرمانی که «حالت خطرناک» دارند.

۴- لزوم طبقه‌بندی بزه‌کاران، برای هماهنگ نمودن اقدامات تأمینی با شخصیت هریک از آنها، و نیز لزوم تحقیق در علل جرم با هدف کاهش ارتکاب آن. درواقع، رویکرد اصلی این مکتب، توجه به مجرم بود. (همان)

بخش سوم: خودکشی

خودکشی مهمترین نوع خشونت تغییر شکل داده شده است. در این نوع خشونت، فرد مرتکب به جای اینکه دیگران را مورد حمله قرار دهد، به زندگی و حیات خود حمله کرده و به آن خاتمه می‌دهد. از این حیث خودکشی یا انتحار عبارت است از قتل که فاعل جرم (قاتل)، مفعول جرم (مقتول) نیز است. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی علیه (بزه دیده) قتل، خودش قاتل باشد عمل خودکشی تحقق می‌یابد. در واقع، خودکشی نوعی از قتل همراه با وحدت قاتل و مقتول است. بر این اساس باید گفت خودکشی و به تبع آن «خودزنی» از جمله بارزترین مواردی هستند که در آنها بزه‌کار و بزه دیده یک فرد واحد است. (اکبری، ۱۳۸۱: ۵۹)



عمل خودکشی مختص به زمان حاضر نبوده و از دوران بسیار قدیم تا به حال وجود داشته است؛ اما آنچه تازگی دارد گسترش و افزایش تعداد خودکشی‌هاست. آمارهای انتشار یافته در مورد خودکشی‌ها کامل نبوده و آن طور که باید تعداد واقعی خودکشی‌ها را نشان نمی‌دهند. البته علت این امر آن است که بیمارستانها، بسیاری از خودکشی‌ها را تحت عناوین دیگری قلمداد می‌کنند و به همین دلیل، بسیاری از انتحارها در آمارهای رسمی منعکس نمی‌شوند. نباید فراموش کرد که در زمان‌های گذشته معمولاً خودکشی در نیمه دوم دوران عمر انجام می‌گرفت، ولی در حال حاضر بیشتر مرتکبان آن جوانان هستند. واقعیت این است که امروزه تراکم جمعیت، رشد صنعتی، شیوع اضطراب و... تأثیر فراوانی در خودکشی و ازدیاد آن دارند. ازدیاد خودکشی در قسمت‌های مختلف یک کشور متفاوت است. به طور مثال، خودکشی در ایالات متحده آمریکا در محل‌های شهرنشین بیشتر از قسمت‌های روستایی است، اما از آنجایی که در آمریکا این تمایل وجود دارد که فاصله شهر و روستا را از بین ببرند، لذا تفاوت آماری نیز به شدت کاهش می‌یابد.

به هر حال پدیده خودکشی از دیدگاه علوم مختلفی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، حقوق جزا (حقوق کیفری) و جرم‌شناسی قابل تحلیل و بررسی است. در تحلیل جرم‌شناختی خودکشی، باید آن را در دو حوزه این علم یعنی «جرم‌شناسی نظری» و «جرم‌شناسی کاربردی» مورد تعمق و کنکاش قرار داد. در این راستا، ابتدا باید به ذکر طبقه‌بندی‌های ارائه شده از خودکشی‌ها پرداخت. تقسیم بندی‌ها و طبقه بندی‌های به عمل آمده در مورد خودکشی‌ها متفاوت هستند. برخی از مؤلفان خودکشی‌ها را بر اساس علل و عوامل آنها طبقه بندی نکرده‌اند. برخی دیگر، مبنای طبقه بندی خودکشی‌ها را تمایلات انتحاری قرار داده‌اند. گروهی دیگر نیز بر اساس عناصر مادی و روانی خودکشی به تقسیم بندی آن پرداخته‌اند. (اکبری، ۱۳۸۱: ۶۱)

بخش چهارم: عوامل تأثیرگذار در انحراف جوانان

امروزه شاهد افزایش آمار مبتلایان به اعتیاد و کاهش سن مصرف‌کنندگان مواد مخدر در کشور هستیم. برخی مشکلات عصر تحولات، ارتباطات و برخی از سایت‌های اینترنتی از جمله دلایل بروز این آسیب‌های اجتماعی هستند اما اینکه چگونه می‌توان از بروز این آسیب‌ها جلوگیری یا آنها را کنترل کرد از اهمیت بسزایی برخوردار است که پاسخ این سوال‌ها نیازمند پرسش از مسئولان کشور، بررسی نظرات آنها برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است.



عصر سرعت، تحولات و ارتباطات موجب روبرو شدن جوان‌ها و نوجوان‌ها با پدیده‌های جدید و گوناگون شده است به گونه‌ای که در فضای مجازی تعدادی از سایت‌های اینترنتی نحوه چگونگی مصرف مواد را به جوان‌ها آموزش می‌دهند. (انتصاری، ۱۳۸۲: ۳۹)

زمانی که نهاد خانواده، مذهب و دستگاه‌های آموزشی نتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند و آسیب‌های اجتماعی در حال افزایش باشد، در این صورت یک جامعه در آستانه فروپاشی اجتماعی قرار می‌گیرد و شاخص‌هایی مانند اعتیاد، خودکشی، طلاق، فحشا، بیکاری، بی‌اعتمادی و سستی در روابط خانوادگی و جامعه رشد می‌کند.

بخش پنجم: علل افزایش آسیب‌های اجتماعی

آزادی از قید و بندها، کاهش نظارت خانواده، بروز استرس، افسردگی، هجوم منابع رسانه‌ای و شکسته شدن حریم منازل، ورود امواج نامحرم در خانواده‌ها و به طور کلی حرکت جهان در مسیر غیر استاندارد فرهنگی را از پیامدهای عصر حاضر و تحول‌های منفی مدرنیته است و این پیامدها در جهان موجب افزایش دایره آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری سونامی استفاده از مواد مخدر، توهم‌زا، محرک، الکل، ایجاد خشونت، روابط غیر مشروع و ظهور فرقه‌های شیطان پرستی شده است. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۹)

درک صحیح از شرایط کنونی، هدف‌گذاری و نگاه واقع‌بینانه به جای نگاه آرمان‌گرایی و دست نیافتنی را از ضرورت‌های عصر حاضر جهت مهار و کنترل آسیب‌های اجتماعی است و جامعه باید از حالت نظاره‌گری و تماشاچی بودن در تقابل با آسیب‌های اجتماعی خارج شود بنابراین تقویت گفتمان، اهتمام اجتماعی و ارائه آموزش‌های مناسب با رعایت اصل بازاریابی اجتماعی در خصوص خانواده‌ها و جوانان برای خود مراقبتی از جمله موارد ضروری جهت جلوگیری از ابتلا به آسیب‌های اجتماعی است.

جامعه یک کلیت پیچیده و به هم پیوسته است و هرگونه جزئی‌نگری در برابر آسیب‌ها را سبب بروز مسائل غیر قابل جبران تلقی کرد و زمانی کارکرد خرده نظام اقتصادی در حالت مطلوب است که دولت توانایی ایجاد شغل و درآمد حلال برای طبقه‌های مختلف را داشته باشد. نظام اقتصادی ناکارآمد و توزیع نامناسب ثروت در جامعه موجب شکل‌گیری جماعت فقیر و افراد تنگدست در مقابل گروه اندکی ثروتمند شده و به همین علت اختلاس، آشفستگی، ناامیدی، ناکامی، خشونت، سرقت، فحشا و مصرف مواد مخدر افزایش می‌یابد. (همان)



عملکرد نامناسب خرده نظام سیاسی موجب شکاف میان روابط دولت و بخشی از مردم می شود، اگر ارکان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه با همدیگر هماهنگ باشند، آنگاه می توان اعتیاد و سایر آسیب ها را در کشور پیشگیری و کنترل کرد.

بی علاقه‌گی به پند و نصیحت، نداشتن مهارت‌های لازم، عدم احساس مسئولیت پذیری، شخصیت متزلزل، خواهان استقلال زودرس و علاقه‌مندی به انجام کارهای پنهانی و هویت مغشوش و سرگردان را از ویژگی‌های نسل جوان در تمام جوامع تست و باید در خصوص توانمندسازی کودکان، نوجوانان و جوانان ضمن آموزش مهارت‌های زندگی و مدل زندگی سالم از سوی دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی کشور اقدامات جدی انجام شود و همزمان نیز از دسترسی آسان به مواد مخدر، محرک و توهّم‌زا که موجب افزایش مصرف مواد در کشور می‌شود، جلوگیری کرد. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۵۰)

بخش ششم: علل و عوامل جرم منازعه

رفتارهای مجرمانه، شامل رفتارهایی می شوند که از الگوهای مطلوب رفتاری جامعه فاصله گرفته و نگرش منفی جامعه را به دنبال دارند. این رفتارها ممکن است از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر، دچار تحول گردند. هنگامی که یک انحراف اجتماعی، توجه مقنن را به خود جلب کند، ممکن است به عنوان یک انحراف صرف تلقی نگردد و از طرف قانون دارای وصف مجرمانه شناخته شود. جرم علاوه بر این که به عنوان موضوع حقوق جزایی مطالعه می شود، بلکه موضوع علم دیگری به نام جرم شناسی نیز می باشد.

مرحوم دکتر کی نیا در تعریف جرم شناسی اینگونه بیان داشته اند: «جرم شناسی دانش نوینی است که برای شناخت علل یا عوامل جرم زا و ارزیابی میزان تأثیر نیک و بد آنها در یک جامعه و شناسائی کامل تبه‌کاران و انگیزه های آنها در ارتکاب جرم، می کوشد و درمان تبه‌کاران و پیشگیری از وقوع جرم، هدف غائی آن است.» همان طور که در تعریف مزبور آمده است، شناخت علل و عوامل جرم زای منازعه و پیشگیری از وقوع این جرم در زمره موضوعات جرم شناسی بوده و می تواند در تدوین سیاست جنایی مدبرانه که اتخاذ تدابیر لازم را در مهار جرم اعم از کیفری و غیر آنها طلب می کند، واجد اهمیت مخصوص برای دست اندرکاران تدوین سیاست جنایی ایران باشد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۷۸)



بخش هفتم: علل و عوامل اجتماعی جرم زا

«تأثیر عوامل اجتماعی در ایجاد شخصیت بزهکار با توجه به عوامل فردی به عنوان زیربنای شخصیت، از اعتبار بسیاری برخوردار است. محیط شخصی بزهکار، فرهنگی که در آن رشد نموده و همچنین محیط اقتصادی از جمله عوامل انکار ناپذیرند که در ارتکاب بزه باید مورد توجه قرار گیرند.» با توجه به تحقیقاتی که در زمینه جرم منازعه، صورت گرفته و در مقدمه به آن اشاره شد، می توان علل اجتماعی مؤثر در بروز جرم مزبور را به شرح ذیل مطرح کرد. (همان، ۷۹)

۱- فقر و بیکاری

نتیجه بعدی که از مهاجرت حاصل می شود فقر و بیکاری است. «بدیهی است اوضاع نابسامان اقتصادی و تضاد فرهنگی، مهاجرین و خانواده های آنان را در شرایط بسیار نامناسب قرار داده و استعداد ناسازگاری و بزهکاری آنان را افزایش می دهد.»

فقر یکی از عوامل جرم زاست. فقر می تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم فضیلت های جوامع انسانی را نابود کند و استعدادهای آدمیان را تباه سازد. بین بحران های اقتصادی و افزایش بعضی از گونه های تبهکاری، یک همبستگی مثبت وجود دارد و آمارها نیز اغلب آن را تأیید کرده است. بحران های اقتصادی با تأثیر گذاری بر تغییرات مواد مصرفی و ضروری اولیه، تغییرات قدرت خرید و افزایش بیکاری بر تبهکاری و بزهکاری می افزاید. «قحطی و گرسنگی و آینده مبهم، اشخاص را به نومییدی سوق می دهد و باعث می شود که در نومییدی دست به شورش، ضرب و جرح و اهانت نسبت به نمایندگان قدرت عمومی و حافظان نظم از جمله نظم اقتصادی بزنند.»

فقر ناراحتی و بی نظمی و اختلال خانواده را دامن می زند و موجب ستیزه جویی و نزاع می گردد. فقر می تواند کانون گرم خانواده را مختل سازد که تأثیر آن در روابط اجتماعی افراد در بیرون از خانواده همراه با خشونت و نزاع آشکار می -گردد.

فقر مانع پیشرفت و ترقی افراد از لحاظ اجتماعی و فرهنگی می شود، به دنبال آن بی سوادی نیز گسترش می یابد. نتیجه بی سوادی، عدم اطلاع از قوانین مصوب می باشد. «از نظر آسیب شناسی اجتماعی، بیکاری و فقر می تواند عامل عمده ای در پیدایش نابسامانی های رفتاری و روانی و در نتیجه موجب بالا رفتن انواع کجروی های اجتماعی باشد.»



به دنبال فقر و برآورده نشدن خواست های افراد در خانواده، نزاع خانگی ایجاد می شود. نزاع خانگی، منعکس کننده واقعیت تلخ جامعه مانند فقر و بیکاری است. «به گفته یک روان پزشک، اصولاً خشونت های اجتماعی محصول احساس محرومیت نسبی است. وقتی توقعات اجتماعی بالا می رود، وقتی رسانه ها با تبلیغ کردن کالاهای لوکس و رنگارنگ، زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطب ترسیم می کنند؛ در حالی که این هدف با شغل و درآمد مخاطب قابل دسترسی نیست، در نتیجه میان اهداف و ابزار مشروع دستیابی به این هدف فاصله ایجاد می شود یعنی فرد احساس محرومیت می کند. این واقعیت می تواند منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد شود، وقتی میل و تقاضا امکان ارضا نداشته باشد، در نتیجه به خشونت تبدیل می شود.»

به طوری که در تحقیق میدانی مورد بحث مشاهده می شود، درصد قابل توجهی (...) از منازعه کنندگان دارای فقر فرهنگی و بی سواد یا کم سواد بوده اند و این خود تأثیر این موضوع را به عنوان عاملی اجتماعی در بروز نزاع مبرهن می سازد. (محمد نصر، ۱۳۸۶: ۱۰۲)

۲- علل و عوامل طبیعی (تأثیر فصول گرما و سرما)

«اندیشمندان در شناسایی عوامل بروز تبهکاری، دریافته اند که انسان، مکان و زمان، سه عنصر اصلی مؤثر در شکل گیری جرم است. بنابراین، تفاوت در ساختار مکانی، زمانی و رفتاری، توزیع نابرابر جرایم را در سطح شهر در پی دارد. بزهکاران در انتخاب محل و زمان جرم، کاملاً منطقی و سنجیده عمل می کنند و تنها مکان های خاصی را برمی گزینند. برخی فضاهای شهر، مستعد و تسهیل کننده بزهکاری و برخی مانع و بازدارنده آن هستند.

مستند این دیدگاه، قانون حرارتی کتله می باشد. به موجب این قانون «آدم کشی ها و جنایات دیگر علیه اشخاص، در نواحی جنوب به ویژه به هنگام فصول گرما بیشتر رخ می دهد، جنایات علیه اموال در نواحی شمال و به هنگام فصول سرما زیادتر اتفاق می افتد.» در خصوص منازعه نیز این امر صادق است. البته در این مورد باید به شرایط و اوضاع و احوال محیط، از قبیل محل وقوع جرم (شهر، روستا، کوهستان، قمارخانه، کافه، رستوران) و زمان وقوع جرم (شب، روز، فصل، روزهای تعطیل) توجه کرد. منازعه در فصل گرما بخصوص در تابستان، بیشتر از فصول دیگر اتفاق می افتد؛ محل وقوع آن هم در بیشتر موارد، خیابان هاست. (نیازپور، ۱۳۸۴: ۷۷)



۳- علل و عوامل جرم زای فردی

در کنار علل اجتماعی، علل دیگری نیز وجود دارند که در پیدایش و رشد منازعه چندان بی تأثیر نیستند. این علل در ساختار شخصیتی و جسمی فرد ریشه دارند. در این قسمت چند مورد از عوامل فردی و درونی مؤثر در جرم منازعه به طور خلاصه بیان خواهند شد.

۳.۱- تأثیر جنسیت

«شکی نیست که در هر جامعه تعداد مردان بزهکار به مراتب بیش از زنان تبهکار آن جامعه است. نگاهی به جمعیت زندان ها و آمار زندانیان مرد وزن در کشورهای مختلف مؤید این حقیقت است که اختلاف بسیار فاحش بین تعداد مردان و شمار زنانی که تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و محکومیت جزائی یافته اند وجود دارد.»

برخی نویسندگان دلیل عدم حضور زنان در آمار و تحلیل های جرم شناختی را محصول طرز تفکری می دانند که در دوران قدیم نسبت به آنها وجود داشته است. منازعه به خاطر وجود خشونت و جنایت در آن، از جمله جرایم مردانه محسوب می شود و محل وقوع آن نیز بیشتر ملأ عام و خیابان ها می باشد. در مورد زنان، محل حادثه بیشتر منازل و زمینه ایجاد آنها عمدتاً اختلافات خانوادگی می باشد. (همان: ۷۹)

با این وجود، موارد منازعه زنان در خیابان ها نیز، دور از انتظار نیست؛ که دلیل آن می تواند حضور گسترده تر زنان در عرصه های اجتماعی باشد. در گذشته به خاطر محدودیت ها و بیشتر حجب و حیای زن بودن، اینگونه درگیریهما در منظر عموم توسط زنان، کمتر صورت می گرفت.

۳.۲- تأثیر سن

«بزهکاری با سن تغییر می یابد. کتله دانشمند بلژیکی، این مسأله را خاطر نشان کرده است. سن، مستقیم یا به طور غیرمستقیم، تأثیری عظیم و شگرف در فراوانی و شکل جرائم دارد.»

علمای جرم شناسی، دوران زندگی انسان را به ۴ مرحله کودکی، برنائی، پختگی و پیری تقسیم کرده اند و بر اساس بررسی های آماری، شروع تبهکاری را از ۱۲ سالگی می-دانند که تا ۱۸ سالگی افزایش آن چندان محسوس نیست. از ۱۸ تا ۲۵ سالگی فعالیت جنائی فزونی می یابد و از ۲۵ تا ۳۰ سالگی رقم تبهکاری، باز هم بالاست.



نوع تبه‌کاری هم بر حسب سن متفاوت است. سن افراد شرکت کننده در نزاع نیز متغیر می باشد. دلیل آن تعداد زیاد افراد شرکت کننده در ارتکاب این جرم است که ممکن است از نوجوان گرفته تا سالمند در وقوع جرم مزبور شرکت داشته باشند. با این حال، بیشتر، جوانان و نوجوانان قربانیان اصلی این جرم هستند. زیرا به نظر می رسد که حس انتقام جویی و در نتیجه میزان درگیر شدن در نزاع در جوانان بسیار شایع تر از سنین بالاتر است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۲۹)

۳.۳- اختلالات روانی

در خصوص اختلالات روانی و تأثیر آن بر ارتکاب جرم، مطالعات زیادی صورت گرفته است. در اکثر این مطالعات، مشاهده شده که ارتکاب به جرم در بیماران روانی نسبت به افراد عادی بیشتر است. در بعضی از این مطالعات تأثیر اختلالات روانی بر جرایم خشونت بار، شایع تر گزارش شده است.

شدیدترین جرائم را بیماران سایکوتیک به ویژه اسکیزوفرنی و اختلال هذیانی مرتکب شده بودند. همچنین شیوع جرم در این بیماران با جنس مذکر، مجرد بودن، عدم پذیرش درمان و سربرار خانواده بودن ارتباط معنی داری داشت. در حالی که با عواملی مثل سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی خانواده، مصرف الکل و مواد مخدر، سابقه بروز جرم در بستگان نزدیک و طول مدت بیماری ارتباطی نداشت. (همان)

شدت جرم فقط با نوع بیماری مرتبط بوده و ارتباطی با سایر عوامل ندارد. همچنین تعداد قابل ملاحظه ای از مجرمان دارای اختلال شخصیت ضد اجتماعی که معمولاً اولین ریشه جرم زایی را در بیماران مبتلا به اختلالات روانی به خود اختصاص می دهند، مربوط به ارتکاب جرایم خشونت آمیز از ناحیه افراد مزبور است.

بخش هشتم: طرق پیشگیری از وقوع جرم منازعه

برای پیشگیری از وقوع جرم، که در حال حاضر از پیچیدگی های خاصی برخوردار است، راه کارهای متناسب ضروری به نظر می رسد. بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، از جمله وظایف قوه قضائیه را پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین قلمداد کرده است و طبق اصل ۱۵۷، قوه مزبور مکلف به ایجاد تشکیلات مناسب برای تحقق امر پیشگیری از وقوع جرم است. تقسیم



بندی های متفاوتی از پیشگیری به عمل آمده ولی «تدابیر پیش گیرانه از جرم به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند.

دسته نخست، پیشگیری از جرم از طریق جرم انگاری و اجرای مجازات متناسب، کارآمد و بازدارنده می باشد که به پیشگیری کیفری موسوم بوده و دسته دوم شامل تدابیر پیش گیرانه ای است که نتیجه و دستاورد دانش جرم شناسی میباشد.» و از آن به پیشگیری اجتماعی و وضعی یاد می شود. در این تحقیق به لحاظ اختصار و ارائه مطالب و لزوم تحقیق بیشتر، صرفاً به پیشگیری کیفری و اجتماعی از وقوع جرم در رابطه با بزه منازعه می پردازیم.

۱- پیشگیری کیفری از جرم منازعه

منظور از پیشگیری کیفری، اعمال مجازات ها و اقدامات مؤثر با استفاده از ابزارهای سرکوب گرایانه جهت مقابله با جرایم است. «یکی از اهداف مجازات ها جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق ارعاب می باشد، همان گونه که بنجام استدلال می کرد، چنانچه رنج تحمل مجازات از لذت تحصیل احتمالی منافع جرم بیشتر باشد، مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم خودداری خواهند کرد.» جنبه ای ارعابی مجازات ها از دو طریق باعث پیشگیری از وقوع جرایم از جمله جرم منازعه میشود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۳۳)

۱.۱- پیشگیری عمومی از جرم

مجازات ها با ایجاد ترس در توده ی مردم مانع می شوند تا دیگران از مبادرت به ارتکاب جرم در آینده امتناع نمایند.

البته تأثیر مجازات ها از نظر جلوگیری جرم، بیش از آنکه مربوط به ترس از صدمه ی احتمالی ناشی از مجازات (مثل چند سال زندان) باشد، به واکنش اعضای جامعه نسبت به مشروعیت مجازات و وضع اجتماعی مجرم بستگی دارد. اگر جامعه رفتاری را بد بداند و نسبت به آن واکنش نشان دهد، جنبه ی بازدارندگی جرم خیلی بیشتر از وقتی است که قانون، آن را جرم دانسته ولی جامعه به آن واکنش نشان ندهد. مثلاً در مورد فرار از مالیات اگرچه قانون آن را جرم شناخته، این فعل قبح زیادی در جامعه ندارد. به طور کلی میزان نفوذ و موفقیت نظام جزائی از نظر جلوگیری از ارتکاب جرم در آینده بستگی کامل و قطعی با میزان هماهنگی هنجارها و مجازات ها با ارزش های فرهنگی جامعه دارد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۳۴)



۲- پیشگیری فردی از جرم

اصولاً مجازات‌ها باید باعث شوند که مرتکب جرم به علت تحمل سختی و مشقت اعمال مجازات، در آینده از ارتکاب جرم خودداری کند. هر چه شدت قبح رفتار ارتكابی در نظر جامعه بیشتر باشد، مجازات تعیین شده نیز باید شدیدتر لحاظ شود.

در سیاست جنائی ایران، جرم منازعه مورد جرم انگاری قرار گرفته و با ابزارهای کیفری با آن مقابله می‌شود. مقنن در ماده ۶۱۵ ق.م.ا (بخش تعزیرات) به تشریح جرم انگاری و تعیین مجازات برای ارتکاب آن پرداخته است. شاید در بدو امر چنین به نظر رسد که مجازات قانونی در نظر گرفته شده برای منازعه، با مؤلفه های مدنظر رویکرد سزادهی، دارای تناسب است، زیرا افراد شرکت کننده در نزاع با رفتار خود باعث برهم زدن نظم جامعه و از بین بردن ارزش های مورد حمایت اکثریت مردم گردیده، در نتیجه مدیون جامعه تلقی شده و مستحق مجازات محسوب می‌شوند. اما با نگاهی به میزان مجازات مندرج در قانون، به این نتیجه می‌رسیم که مقنن شدت و خطر جرم منازعه و میزان سرزنش پذیری مرتکب را چندان مورد توجه قرار نداده است. (قیاسی، ۱۳۸۵: ۶۹)

این مجازات‌ها با توجه به نتایج تحقیقاتی که در مباحث قبل به آنها اشاره شد و میزان ارائه آمارها در بازه زمانی محدود (کمتر از یک سال)، چندان جنبه بازدارندگی ندارد و از تکرار جرم جلوگیری نمی‌نماید. بنابراین این میزان مجازات، نسبت به نتایج جرم و قابلیت سرزنش آن در جامعه و اخلال در نظم و آسایش عمومی، سبک است و مقنن باید نسبت به تناسب در سزادهی و کارآمدی آن تجدید نظر نماید.

۳- پیشگیری اجتماعی از جرم منازعه

«این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است که خود به دو نوع تقسیم می‌شود؛ پیشگیری جامعه مدار و پیشگیری رشد مدار. (همان)

پیشگیری اجتماعی رشد مدار به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر، تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس از پایداری افراد در بزهکاری جلوگیری کند. پیشگیری جامعه مدار نیز شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیش گیرنده ای می‌شود که نسبت به محیط-هایی که



فرد در آنها کار و زندگی می کند، اعمال می شوند.» به طور کلی، در خصوص پیشگیری اجتماعی از جرم منازعه، می توان به راه کارها و راه بردهایی به شرح ذیل اشاره نمود.

بخش نهم: هماهنگی و یکپارچگی فرهنگی

همان طور که در مباحث قبل اشاره شد، نخستین نتیجه مهاجرت، برخورد خرده فرهنگ های متفاوت در یک منطقه است و در بسیاری مواقع منجر به نزاع با همدیگر و هنجارشکنی اجتماعی می شود؛ در نتیجه، ضرورت وجود هماهنگی و یکپارچگی فرهنگی در جامعه احساس می شود. جهت رسیدن به این هدف، دولت ها باید تا آنجا که امکان دارد، از روند مهاجرت بکاهند و عوامل جاذبه ای که باعث مهاجرت از روستا می شود را شناسایی کرده و اقدامات لازم را به عمل آورند. یکی از این اقدامات، حمایت از بخش کشاورزی و همچنین ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی و رفاهی است؛ که در نتیجه از وقوع مهاجرت و فقر و بیکاری به دنبال آن، جلوگیری به عمل آید. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۸۶)

بخش دهم: ترویج سنت میانجی گری

میانجی گری به روش سنتی، در بسیاری از اختلافات محلی و جرائم خرد و متوسط، باعث می شود که از تشدید اختلافات و بروز زمینه های بزهکاری پیشگیری به عمل آید. روش کدخدا منشی و پایان دادن به اختلافات از سوی معتمدین و افراد مورد وثوق مردم محل، از قدیمی ترین و در بسیاری از موارد از بهترین روش های حل و فصل دعاوی است. یک میانجی به عنوان یک حلقه ارتباطی میان طرف های منازعه، عمل می کند، برداشت هر یک را نسبت به طرف دیگر بهبود می بخشد، برای مسأله مورد منازعه راه حل هایی را پیشنهاد می نماید و برای پذیرش آنها طرف های منازعه را تحت فشار قرار می دهد. (همان)

مهمترین حسن انجام این روش، جلوگیری از وقوع نتایج زیان بار منازعه است. در باب مسئله ای که شاید آن چنان هم پیچیده نیست و با گفت و گوی ساده حل می شود، باید از آسیب های بعدی پیشگیری به عمل آورد. خوشبختانه اخیراً مقنن آیین دادرسی کیفری ایران، با توجه به ارزش والای میانجی گیری در حل و فصل اختلافات جامعه ایران، وفق ماده ۸۲، در جرایم تعزیری درجه ۸-۶، به دادستان عمومی و انقلاب این امکان را داده است که با شرایط مقرر در قانون، موضوع ارتکاب جرم را به عنوان یک رفتار اختلال در بین روابط افراد و در راستای ایجاد صلح و سازش از طریق ارجاع به میانجی گری حل و فصل نماید.



موضوعی که در ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف نیز مورد توجه مقنن ایران بوده است. به موجب ماده مزبور شوراهای حل اختلاف سراسر کشور که بر اساس سنت حسنه میانجی‌گری و حل اختلاف مردم از طریق مزبور به تصویب رسیده است، صلاحیت دارند که در جرایم قابل گشت و غیرقابل گذشت، موضوع را از طریق میانجی‌گری به صلح و سازش خاتمه دهند و موجب آرامش در جامعه شوند. (محمد نصر، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

بخش یازدهم: جلوگیری از رشد خرده فرهنگ‌های انحرافی در جامعه

«در دو دهه اخیر در جامعه ایران، به دلیل رشد خرده فرهنگ‌های لمپنی و قواعد اجتماعی، یک فضای نامناسب فرهنگی به وجود آمده و به سرعت تکثیر شده است؛ این قشر که اصطلاحاً افراد تازه به دوران رسیده نامیده می‌شوند، بر اثر استفاده از فضای اقتصادی واسطه‌گری و دلالتی در ایران توانسته‌اند به سرعت پولدار شوند؛ در حالی که از لحاظ فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند. تحقیقات نشان می‌دهد این افراد، عموماً اتومبیل‌های گران قیمت سوار می‌شوند و در آپارتمان‌های لوکس زندگی می‌کنند، اما اکثراً در دعاوها و نزاع‌ها، از فحش‌های رکیک استفاده می‌کنند و در خیابان به سرعت برای گرفتن حقشان، با سایر مردم دست به یقه می‌شوند.

نتیجه وجود چنین مواردی، افت مسائل اخلاقی و فرهنگ اخلاق در جامعه است که باعث می‌شود فرهنگ عمومی دچار خلأ یا کاستی شود. بنابراین، فرهنگ‌سازی و تولید الگوهای مناسب اخلاقی در جامعه، احساس می‌شود.

در این رابطه باید برنامه ریزی فرهنگی صورت گیرد. نقش رسانه در این زمینه بسیار حائز اهمیت می‌باشد، بخصوص در سال‌های اخیر که گرایش به سمت ماهواره و شبکه‌های خارجی که با برنامه‌ها و فیلم‌های نامناسب از لحاظ اخلاقی و ترویج خشونت، زمینه‌گسترش بی‌اخلاقی در جامعه را فراهم می‌آورند، افزایش پیدا کرده است. بنابراین رسانه باید برنامه‌هایی تولید کند که مردم را به سمت خود جلب کند. (آزاد، ۱۳۸۰: ۱۳۴)

نتیجه‌گیری

جرم منازعه از جمله جرایم علیه اشخاص است که اصولاً در جوامع توسعه نیافته و به دور از روش‌های حل منازعات مبتنی بر عقلانیت، بروز و ظهور می‌یابد. قانونگذار ایران در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی جرم صدمات بدنی در اثنای منازعه را پیش‌بینی کرده است. از آنجا که با وجود اهمیت بررسی جرم شناختی این جرم از حیث علل و عوامل وقوع آن، تحقیقات کافی



صورت نگرفته است، علل و عوامل جرم زای فردی، شامل تأثیر جنسیت که در بین جمعیت کیفری انجام گرفته، ۸۸/۵ درصد را به لحاظ مذکر بودن افراد و شرکت کننده در منازعه و نیز از حیث سن، غالباً افراد شرکت کننده بین سنین ۲۵-۱۸ سالگی را نشان می دهد.

تأثیر دو عامل جنسیت و سن در بروز جرم، امری مبرهن است. همچنین اگرچه در تحقیقات میدانی مزبور، اختلالات روانی اشخاص شرکت کننده در منازعه مورد تحقیق قرار نگرفته است، اما با توجه به تحقیقات دیگری که عامل اختلالات روانی در بروز جرم را نشان می دهد، نمی توان اختلالات روانی منازعه کنندگان را بی-تأثیر در ارتکاب جرم دانست.

در خصوص علل و عوامل طبیعی و اجتماعی به طوری که تحقیقات میدانی مورد اشاره در مقاله نشان می دهد، فصل گرما تأثیر نسبتاً قابل توجهی در ارتکاب نزاع دسته جمعی دارد. به طوری که ۳۳/۸ از منازعات جمعیت کیفری در فصل تابستان صورت گرفته است. در خصوص علل و عوامل اجتماعی جرم نیز، می توان با توجه به داده های تحقیق مورد استناد، به فقر فرهنگی منازعه کنندگان به طور مشخص اشاره کرد. به طوری که تعداد نسبتاً قابل توجهی از منازعه کنندگان کاملاً بی سواد و یا کم سواد بوده اند. نکته دیگری که در مورد علل فقر فرهنگی قابل ملاحظه در داده های آماری موجود است، فاقد انسجام خانوادگی و ناامن بودن محل آرامش یعنی خانه شخصی افراد جامعه است.

با توجه به علل نامساعد فردی و اجتماعی مورد اشاره، ارائه راه کارهای لازم برای پیش گیری از وقوع این جرم امری ضروری است. در این تحقیق، به دو دسته اصلی از انواع پیشگیری، شامل پیشگیری اجتماعی و کیفری از ارتکاب جرم منازعه پرداخته شده است.

در پیشگیری کیفری بر اساس نظریه بنتام و با توجه به کمیت وقوع منازعات در بازه زمانی محدود در این تحقیقات، به نظر می رسد که مجازات های مقرر در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی، جنبه بازدارندگی ندارد و مانعی برای جلوگیری از ارتکاب جرم توسط منازعه کنندگان، به شمار نمی رود. لذا اصلاح این ماده و تغلیظ مجازات ها در ماده فوق الذکر به نحوی که جنبه بازدارندگی داشته باشد، ضروری است.

از لحاظ پیشگیری اجتماعی نیز، لازم است که سنت میانجی گری در رفع اختلافات محلی به عنوان یک امر ضروری از طریق متولیان امر، توسعه یابد و همچنین از رشد خرده فرهنگ های انحرافی در جامعه با راه کارهایی از قبیل توسعه آموزش همگانی و جلوگیری از ترویج خشونت به ویژه از طریق رسانه های همگانی اقدام لازم صورت گیرد.



منابع و مأخذ

- ۱- آزاد، همت، کدامین آدمی، نشر بنیاد شریعتی، ۱۳۸۰ ش.
- ۲- احمدی ابهری، محمدعلی، اسلام و دفاع اجتماعی، قم ۱۳۷۷ ش.
- ۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران ۱۳۸۲ ش.
- ۴- اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، نشر ساوالان، ۱۳۸۱ ش.
- ۵- انتصاری، محمدناصر، بحران‌ها و درمان‌ها در دوره بلوغ، نشر گرگان، ۱۳۸۲ ش.
- ۶- شریفی خضارتی، امیر: مقاله «بررسی خودکشی از دیدگاه فقه جزایی و حقوق کیفری»، روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۳، شماره ۲۴۳۸۲.
- ۷- عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، قاهره: دارالتراث، (بی تا)
- ۸- گسن، ریموند (۱۳۷۹)، «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۹ - ۲۰، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۹- قیاسی، جلال‌الدین قیاسی، حمید دهقان، و قدرت‌الله خسروشاهی، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، ج ۱، قم ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، «پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم.
- ۱۱- محمد نصر، غلامرضا (۱۳۸۶)، پلیس پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات)، مجموعه دو جلدی، معاونت آموزش ناجا.
- ۱۲- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲ - ۱۳۹۱)، جهانی شدن جرم، تقریرات دوره کارشناسی ارشد دانشگاه مفید قم، نیم سال اول سال تحصیلی، به کوشش شهرام ابراهیمی.
- ۱۳- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۴)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون بار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی باموسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵



6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

ششمین همایش ملی

جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

مشاوره ۲۴ ساعته به پژوهشگران در خصوص نگارش و ارسال مقالات ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

- محورهای پذیرش مقالات پژوهشگران:
- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
 - ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
 - ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
 - ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
 - ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
 - ۶- تأثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
 - ۷- شناسایی مضللات و آسیب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات OLOMENSANI@YAHOO.COM

مدیر هیات سیاستگذاری همایش دکتر سیدمصطفی حسینی

شماره تماس های دبیرخانه همایش ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی

ارسال مقاله از طریق پیام رسان ۰۹۱۰۵۶۳۶۵۰۲

مکان و زمان برگزاری همایش ۲۹ آذرستان همایش سازمان ارشاد پروچرد

